

ازدواج معکوس، درک واقعی یا احساسی

عکس داماد دست به دست بین دختران فامیل عروس می چرخد، هر کس نظری درباره چهره او می دهد، با حرف یکی از دختران که می گوید...



عکس داماد دست به دست بین دختران فامیل عروس می چرخد، هر کس نظری درباره چهره او می دهد، با حرف یکی از دختران که می گوید: 'عروس خانم، آقا داماد چند سالشه؟ خیلی جوون تر از تو به نظر می رسه' همه ساکت می شوند و لبخند روی لبان عروس می خشکد...

درانتخاب همسر جدای از هم کفو بودن اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تفاوت سنی زوجین از گزینه های اصلی انتخاب است. تا سال های پیش، به تفاوت سنی میان زوجین با تأکید بر بزرگتر بودن مرد از زن صحنه گذاشته می شد، اما در جامعه ای که زنان در عرصه های اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، مطالعاتی و سیاسی خود را بالا کشیده اند، در زمان انتخاب همسر ممکن است با شخصی هم کفو و هم شان به نظر بیایند که از نظر سنی از او بزرگتر باشند و این آغاز چالشی است به نام 'ازدواج معکوس' که جامعه تاکنون نگاهی عمیق بر آن نداشته است.

صدای آه و ناله مادر خانواده به گوش می رسد، او از روزهای سختی می گوید که پسرش را با خون دل بزرگ کرده و حالا دختری که معلوم نیست از کجا پیدایش شده، دل پسر دردانه اش را برده، پسری که پایش را در یک کفش کرده و می گوید: 'یا این دختر یا هیچ کس' دختری که مادر از او به عنوان عامل همه بدبختی های آینده حرف می زند، کسی نیست جز همکار پسرش. او دختری است که دانشجوی دکتراست، زیباست، خانواده دار و دارای سطح اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی معقول، تنها مساله ای که مادر آن را دست آویز مخالفت شدید خود قرار داده این است که دختر چهار سال از پسرش بزرگ تر است. از گذشته تاریخ تاکنون، مردان برای ازدواج همواره به دنبال زنانی بودند که از نظر سنی کوچک تر از آن ها باشند اما در سال های اخیر الگوی اختلاف سنی میان همسران تغییر کرده و به تدریج شاهد وقوع ازدواج هایی هستیم که زن بزرگ تر از مرد است.

این اختلاف سنی به چند ماه تا حداقل سه چهار سال هم محدود نمی شود و مواردی هم وجود دارد که زن بیش از 15 سال از شوهر بزرگتر است.

درنگاه اول و سطحی به این موضوع، گفته می شود که کنار گذاشته شدن این عرف اجتماعی یعنی بزرگ تر بودن مرد از زن، مشکلات زیادی را برای زوجین بوجود می آورد ولی از آنجایی که سن، صرفا یکی از ملاک های ازدواج است، می توان با کنار گذاشتن این ملاک در حد معقول، زندگی سعادت مندانه ای داشت.

'کتایون ف' دو سال از همسرش بزرگ تر است، او می گوید: هنگام ازدواج، پدر همسرش به شدت با این وصلت مخالف بوده و حتی پسرش را به محرومیت از ارث تهدید کرده است.

با این وجود کتایون و همسرش با هم ازدواج کردند و حالا یک جفت دو قلوی چهار ساله دارند.

کتایون که مدرک کارشناسی ارشد دارد و خانه دار است می گوید: پدر همسر من خواست پسرش را به خارج از کشور بفرستند و برای ازدواج و همسر آینده او آرزوهای زیادی داشت ولی وقتی همسر من به عنوان دختر مورد علاقه اش به خانواده معرفی کرد، همه چیز تغییر کرد و پدر شوهر من حتی اجازه برگزاری مراسم ازدواج را به ما نداد و ما صرفا به برگزاری مراسم عقد که پدرم برایمان برگزار کرد، اکتفا و زندگی مشترکمان را آغاز کردیم.

او می افزاید: آن زمان مدرک همسر من لیسانس بود و الان دکتر دارد، آن زمان خانه نداشتیم و الان منزل مسکونی شخصی داریم و همه اینها بخاطر همراهی من با همسر من بدست آمده اما پدر همسر من هنوز هم به من به چشم یک غاصب نگاه می کند و بارها در حضور من به پسر دیگرش می گوید اگر موقع انتخاب همسر مثل برادرت نباشی، همه زندگی را به پایت می ریزم. کتایون با خنده ادامه داد: چند وقت پیش همسر من برای تنوع سبیل گذاشته بود که مادر همسر من با ناراحتی قربان صدقه اش رفت و به او گفت: 'زنت از تو خواسته سبیل بگذاری که معلوم نشود از او کوچیکتری؟'

مانند کتایون، دختران دیگری هم هستند که ماجرای زندگیشان همین است.

دخترانی که تنها نکته منفی آنها در زندگی مشترک این است که از شوهرشان بزرگ تر هستند وگرنه مانند هر همسر دیگری با شوهر همراهی و همدلی می کنند و خود را وقف خانواده کرده اند.

از طرف دیگر هستند زوج هایی که با همین دلیل، مشکلاتی از جنس دیگر در زندگی دارند.

زوج هایی نظیر 'احمد رضا' و 'شادی'.

احمد رضا چهار سال از شادی کوچکتر است و همیشه گله می کند که شادی خودش را عقل کل می داند.

درمقابل شادی هم احمد رضا را به داشتن تفکر بچه گانه و وابستگی به والدین متهم می کند.

احمدرضا می گوید: شادی انعطاف پذیر نیست و وقتی حرفی می زند باید عملی کند و در مقابل اعتراض من به بهانه های مختلف به من می گوید: 'تو نمی فهمی' و مرتب مرا متهم می کند که بچه ننه ام! شادی هم می گوید: احمدرضا الکی خوش است و بدون آینده نگری کار می کند و حرف می زند و برای هر کاری تا اجازه والدینش نباشد تعلل می کند.

'ابوالقاسم صمیمی' کارشناس اجتماعی با بیان اینکه طبیعی است که افراد بزرگتر، تجارب بیشتری دارند، افزود: وقتی سن زن حداکثر تا دو سال بیشتر از سن همسر باشد، تفاوت دیدگاه و حس برتری جویی زیاد مشهود نیست ولی وقتی این تفاوت سن به سه سال و بیشتر می رسد، زمینه نداشتن تفاهم فکری و عقلی را بین زوجین فراهم می کند.

وی می افزاید: زنان در سنین بالاتر زودتر به جا افتادگی و سکون می رسند و هر چه سن آنها از همسرشان بیشتر باشد توان همراهی همسر را در برنامه های جوان گرایانه از دست می دهند .

صمیمی همچنین اظهارداشت: وقتی که دو نفر جوان با هم ازدواج می کنند، برای دست یافتن به سازگاری تلاش می کنند، به نظر دیگری توجه کرده و خود را طوری تطبیق می دهند که مورد پسند دیگری واقع شوند اما با افزایش سن، انعطاف فرد کاهش می یابد و همین امر در زندگی مشترک، معضل آفرین است.

البته این مشاور خانواده معتقد است، ممکن است زوج هایی که زن سال های زیادی از همسرش بزرگتر است، با رسیدن به درکی مشترک، زندگی خوبی داشته باشند اما تعدادشان معدود و شرایط شان خاص است.

به سرانجام نرسیدن ازدواج های معکوس صرفا به دلیل مخالفت خانواده و نداشتن تفاهم اخلاقی و سنی زوجین نیست. 'ترمه - ن' بازنشسته شده، با این که به چهره اش نمی آید 55 ساله است و چند ماهی است از همسر 40 ساله اش جدا شده است.

او می گوید: هشت سال پیش در حالی که در بهترین شرایط شغلی بودم با همسرم که یکی از مراجعه کنندگان به اداره بود آشنا شدم و به رغم مخالفت خانواده هایمان با او ازدواج کردم .

وی افزود: او وضع مالی متوسطی داشت و ما زندگی مان را در خانه من شروع کردیم ، او در منزل من درس خواند و حتی دکترایش را گرفت و به واسطه سفارش من در پستی خوب مشغول به کار شد، ولی در نهایت وقتی به تملک مالی رسید، مهریه ام را داد، به همه چیز پشت پا زد و از من جدا شد.

هر چند سخت بود ولی توانستم همسر خانم 'ن' را نیز پیدا و با او صحبت کنم .

درمقابل گلایه های خانم 'ن'، همسر وی از او به عنوان بانویی همه چیز تمام و بسیارباهوش یاد می کرد وگفت: اوایل زندگی مشترک، لحظات خوبی داشتیم تا اینکه همسرم نسبت به پیچ های اطرافیان که چقدر شوهرت از تو 'سر' است حساس شد. او مرا تشویق کرد درس بخوانم و من به حرف های او گوش می کردم چون می دانستم دوستم دارد ولی پس از مدتی گفت: اگر تو درس بخوانی، پیشرفت کنی، شغل بهتری داشته باشی، مرا فراموش می کنی.

او بخاطر شرایط مالی خوبش به من سرکوفت می زد و با نادیده گرفتن سعی و تلاش خودم ، به من می گفت از او سوء استفاده می کنم .

در مهمانی ها به محض اینکه با خانمی صحبت می کردم در خانه جنجال به پا و مرا به خیانت متهم می کرد .

او می گفت: بخاطر پول و شرایط اقتصادی مطلوبی که داشت با او ازدواج کرده ام و در آخر خودش تقاضای طلاق کرد .

این مرد 40 ساله ادامه داد: دوستان همسر سابقم یا ازدواج نکرده بودند، یا طلاق گرفته بودند و یا با شوهرانشان کم و بیش مشکل داشتند، به هر حال او راهنمایان خوبی نداشت و در شرایطی که هیچ کس فکر نمی کرد او 15 سال از من بزرگ تر باشد و می توانستیم به زندگی خوب اوایل ازدواجمان ادامه دهیم، تقاضای طلاق داد و مرا ترک کرد.

'حکیمه فلاحی' مشاور خانواده هم معتقد است: زنانی که از شوهرشان بزرگترند نسبت به سایر زنان سوء ظن بیشتری به همسرشان دارند و نگران خیانت کردن مرد هستند.

وی افزود: زوجینی که زن از مرد بزرگتر است، قبل از ازدواج به مشاور مراجعه می کنند و ما به آنها می گوئیم که شما نمی توانید از عرف فرار کنید و آنها جواب می دهند، ما روشنفکر هستیم و سن برای ما مهم نیست، در حالی که این موضوع کاملا اشتباه است و این افراد دچار مشکل می شوند.

وی افزود: اگر با گذشت شور و هیجان ابتدای ازدواج، علاقه بوجود آمده تبدیل به صمیمیت و تعهد نشود، کار به جاهای باریک می کشد چرا که قدرت عرف جامعه بسیار بیشتر از مدرن شدن خانواده هاست.

گاهی تناسب نداشتن توانایی های جسمی و جنسی هم باعث جدایی زوجین ازدواج های معکوس می شود.

دکتر 'طاهره سامعی' متخصص زنان در گفت وگو با ایرنا گفت: همانطور که مردی 60 ساله توانایی برآورده کردن نیازهای جسمی و جنسی زنی 30 ساله را ندارد، زنی که 45 سال دارد نمی تواند خواسته های طبیعی مردی 29 ساله را برآورده کند.

وی افزود: یکی از بیمارانم زنی 45 ساله است که دو سالی است با مردی حدود 30 سال ازدواج کرده و در حالی که در آستانه یائسگی است، تاکید دارد باردار شود .

این پزشک متخصص خاطرنشان کرد: علت چنین ازدواجی هر چه باشد، مرد باید بداند که زن در چنین سنی رو به کهولت می رود و هنگامی که به نیازهای جنسی مرد پاسخ نمی دهد بخاطر شرایط رسیدن به یائسگی است و قصد شانه خالی کردن از مسؤولیت را ندارد.

وی افزود: سابقه ای در روان شناسی افراد ندارم ولی به عنوان یک زن، متوجه می شوم ، بیمارم صرفا بخاطر ازدست ندادن

زندگی زناشویی خود قصد فرزند آوری دارد و این خود چالش بزرگی در زندگی اوست، چرا که اولاً باردار شدن در آستانه یائسگی و شرایط استرس زا سخت است و از طرفی اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، معلوم نیست، همسر این زن پایبند به زندگی بماند یا خیر.

با این همه، با اینکه عرف جامعه ما بزرگتر بودن مرد از زن است، در صورت بزرگتر بودن زن از مرد، اگر در سایر ملاک های انتخاب همسر دقت لازم شود و زن و مرد از پختگی لازم و بلوغ فکری برخوردار باشند، می توانند زندگی بدون چالشی داشته باشند.

سیدحسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری ایران با بیان اینکه سن همیشه ملاک مشخصی برای مطلوبیت زندگی نیست، گفت: دختری که قصد ازدواج با پسر کوچکتر از خود را دارند باید همگنی فرهنگی، تطابق تحصیلات و هم کفو بودن را در انتخاب همسر مورد توجه قرار دهند و بدانند عامل اقتصادی و تمکن مالی اش ممکن است یکی از عوامل وقوع این ازدواج ها باشد ولی قطعاً نمی تواند عامل دوام زندگی و سعادتمندی آنها باشد.

بر اساس آمار رسمی دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور، در سال 1392 تعداد ازدواج هایی که زوجه بزرگتر از زوج بوده 81 هزار و 380 مورد در کشور به ثبت رسید.

با این حال، نمی توان نقش هر چند کم رنگ عشق و علاقه راستین را نیز در برخی از این به هم رسیدن های خارج عرف و باورهای سنتی و حتی نامتناسب با شرایط روحی و جسمی افراد در نظر نگرفت و باید به این نکته توجه کرد که مستحکم نگه داشتن و جلوگیری از گسستن این پیوند های به ثمر نشسته نیز از وظایف متولیان اجتماعی و فرهنگی است.

ضرورت نرفتن مقوله ازدواج به سمت این نوع زندگی های مشترک بر کسی پوشیده نیست اما قبل از نكوهش افراد در معرض این ازدواج ها و یا بررسی چرایی شکل گرفتن این ارتباط ها باید ریشه آن را در گذشت روزگار جوانی بی دغدغه زندگی مشترک در سنین 25 تا 35 سال بعنوان ایده آل ترین زمان تشکیل خانواده جستجو کرد.

علاوه بر این، برخی از کارشناسان، روانشناسان و جامعه شناسان دلایل اقتصادی، بیکاری پسران و خلاء عاطفی پسران در دوران طفولیت را از جمله دلایل اختلاف سنی معکوس در ازدواج برشمردند که به تاکید آنان روند روز افزون چنین نگرشی در جامعه در حال گذار نیازمند بررسی همه جانبه دارد.